

معرفی کتاب

# دین‌های ژاپنی

● بخش‌علی قنبری

## خلقت ژاپن

ایزاناگی «مردی که دعوت می‌کند» و ایزانامی «زنی که دعوت می‌کند» نسل هفتم کامی بودند<sup>۱</sup> و جزایر ژاپن را آنها آفریدند. از روی پل معلق آسمان به دریا فرونگریستند و نمک آب را لخته کردند و جزیره کوچکی ساختند و روی آن فرود آمدند. از آمیزش آنها جزایر ژاپن، کوه‌ها، رودها، درختان، علف‌ها، دانه‌ها، جانوران و کانی‌ها متولد شد. چون ایزانامی خدای آتش را زایید، خود به سختی سوخت و درگذشت و به سرزمین مردگان سقوط کرد. شوهرش، ایزاناگی، از فرط دل‌تنگی به دیدارش در جهان زیرین شتافت. ایزانامی سوگند خورد که اگر او نگاهش نکند از آن جهان بگریزند به میان زندگان بازگردند. ولی کنج‌کاوی نگذاشت و ایزاناگی به زن نگریست و پیکرزشت و پوسیده‌ای را دید. ایزانامی،



■ دین‌های ژاپنی

■ میچکو یوسا

■ ترجمه: حسن افشار

■ نشر مرکز، ۱۳۸۲، چاپ اول

کشور ژاپن در عرصه جهانی بیشتر به عنوان یک قطب مهم اقتصادی و فناوری مطرح است نه به عنوان مرکز معنویت. این نگره از آنجا نشأت گرفته است که توفیق‌های این کشور در این زمینه به قدری گسترده بوده که چشم‌جهانیان را خیره کرده است. در نتیجه، ابعاد دیگر این کشور پنهان مانده است. اما نیم نگاهی به تاریخچه این کشور نشان می‌دهد که دین و معنویت چه اندازه تأثیرگذار بوده است. ژاپن سرزمینی است که از آغاز به عالم ماورا توجه داشته و این روند تا کنون نیز ادامه یافته است.

شرمگین از زشتی خود به خشم آمد و کینه شوهر را به دل گرفت و سر در پی او نهاد. ایزاناگی پا به فرار گذاشت و از جهان زیرین گریخت و قفل بر درش نهاد. چون با مرده تماس پیدا کرده بود که نجس است - در رودخانه غسل کرد. چشم‌پیش را که شست، آمانراسو، الاهی آفتاب، به دنیا آمد. از بینی‌اش سوسانوئو خدای باد متولد شد. چشم راستش را که شست، تسوکیومی خدای ماه زاده شد. این سه خدا «فرزندان همایونی» نام گرفتند. ایزاناگی فرمانروایی آسمان را به آمانراسوداد، پادشاهی دریا را به سوسانوئو، و حکومت شب را به تسوکیومی.<sup>۲</sup>

این عبارات، نقش خدایان و ادیان را در تاریخ ژاپن مشخص می‌کند؛ این سرزمین با عنایت خدایان آفریده می‌شود؛ با لطف خدایان به حیات خود ادامه می‌دهد و حکومتش خدایان تلقی می‌شود؛ مردم آن، فرزندان خدایان

بر اساس باورهای رایج در این سرزمین، رب‌النوع خورشید حکومت ژاپن را در اختیار فرزند خود، میکادو، قرار دارد. پرستش میکادو تا جنگ جهانی دوم متداول بود، تا این که «هیروهیتو»، امپراتور سابق ژاپن، در سال ۱۹۴۷ م الوهیت یعنی جنبه خدایی خود را لغو کرد و حاکمیت ملی را به رسمیت شناخت.<sup>۱</sup> شگفت‌آورتر این که در هر خانواده ژاپنی مرکزی برای ستایش ارواح خانواده وجود دارد و در شهرهای مختلف نیز معابد مختلف برای پرستش خدایان مختلف هم چنان برپاست و از دستورات مهم دین شینتویی توجه به کانون خانوادگی و احترام به ارواح مردگان است. این نشانه‌ها از حضور جدی دین در زندگی مردم این کشور حکایت دارد. برای آشنایی با این بعد زندگانی مردم ژاپن، کتاب دین‌های ژاپنی به قلم میچکو یوسا با ترجمه حسن افشار به تازگی به چاپ رسیده است.





که امپراتور فرزند خدای بزرگ این سرزمین محسوب می‌شود. از این جهت نویسنده چگونگی تشکیل امپراتوری ژاپن را نیز بررسی کرده است. در اسطوره آمده است که بازماندگان سوسانوئو و اگونینوشی در ناحیه ایزومو رشد کردند، اما سرانجام همهٔ املاک خود را به دربار آماراسو واگذار کردند. آماراسو، نواده‌اش ینینگی را به فرمانروایی ناحیه گماشت و آینه مقدسی را که او را از غار بیرون کشیده بود، گوهر مقدسی را که به نهال ساکاکی آویخته بودند، و شمشیر مقدسی را که سوسانوئو در ایزومو یافته بود به وی سپرد. این سه نشان، آینه و گوهر و شمشیر، از آن پس نشانهای امپراتوری شدند. و نخستین امپراتور (تتو) نوادهٔ ینینگی، جینمو، بود. تأسیس کشور ژاپن به سرسلسلگی جینمو را معمولاً در ۶۶۰ پیش از میلاد می‌دانند. دودمان امپراتوری بدون گسست تا امپراتور کنونی، آکیهیتو (حک از ۱۹۸۹ تا کنون) که بیست و پنجمین امپراتور به شمار می‌رود، برقرار بوده است. از منظر تاریخ‌ادیان ژاپنی، این روایت اسطوره‌ای - سیاسی از پیشینهٔ خاندان امپراتوری و پیچیدگی‌های دیگری نیز دارد که در کتاب به آن پرداخته شده است.<sup>۱۲</sup>

#### ورود دین بودایی به ژاپن

شینتویی آیین سنتی و باستان کشور ژاپن است، اما وقتی که بودایی در سرزمین‌های شرق دور گسترش یافت پیام آن به ژاپن نیز رسید. دین بودایی در ۵۳۸ میلادی از کره به ژاپن وارد شد و اندکی بعد مورد حمایت دولت قرار می‌گیرد.<sup>۱۳</sup> ورود دین بودایی به ژاپن فراز و نشیب‌های گوناگون داشته که نویسنده در فصل‌های ۳ و ۴ به تفصیل به آن پرداخته است. بودیسم نخست در هند پدیدار شد و پس از آن به کشورهای دیگر رسید. ارکان اصلی دین بودایی را در سه امر زیر می‌توان خلاصه کرد: ۱) دوکپه dukha = رنج‌کیهانی؛ ۲) ناپایداری اشیا (پالی anicca)؛ و ۳) عدم جوهر ثابت (پالی anatta).<sup>۱۴</sup>

علاوه بر آنچه به عنوان اصول دین بودایی ذکر کردیم، بوداییان احکامی اخلاقی دارند که در این کتاب از آنها نیز سخن به میان آمده است: بوداییان، اعم از روحانی و غیرروحانی، احکام اولیه‌ای را مراعات می‌کنند که از این قرار است: ۱) نکش؛ ۲) نذزد؛ ۳) زنا نکن؛ ۴) دروغ مگو؛ ۵) از مخدر و مشروب بپرهیز. مؤمنان سه «آفت» را نیز موجب انحراف از راه راست می‌دانند. حرص، خشم و ناآگاهی از تعلیمات بودا از کبر و حسد نیز باید حذر کرد، زیرا مراقبه را مختل می‌کنند. بوداییان چهار فضیلت عالی را تشویق می‌کنند: دوستی، دلسوزی، دلی که آرزومند خوشبختی دیگران باشد و به خوشی

عقایدادیان ابتدایی در این سرزمین رواج داشته است.

به طور کلی حدس می‌زنند که در دورهٔ جومون عقاید انیمستی (زنده‌پنداری همهٔ موجودات) و در دورهٔ یایوتی کیش پرستش نیاکان رواج داشته است. پرستش کامی (ارواح طبیعت و خدایان طوایف)، آیین تطهیر و غیبگویی و طالع‌بینی شمن‌ها از ویژگی‌های برجسته دین شینتو در آغاز بود.<sup>۱۵</sup>

در تعریف مختصر و روشن کامی می‌توان گفت: «کامی به عموم ارواح و خدایان طبیعی سنتی ژاپن گفته می‌شود.»<sup>۱۶</sup> بنابراین، این اصطلاح دورهٔ آئیمستی ژاپن را نیز در برمی‌گیرد. در این معنا، کامی همان نیروی ماونا و روح پنهانی است که می‌تواند در اشیای مختلف حضور یا بدو به نفع یا ضرر مردمان عمل کند. اما وقتی گفته می‌شود کامی خدای طبیعی است، یعنی در اعصار بعدی هویت خاصی پیدا کرده، در عالم بالا (آسمان) قرار یافته و در روی زمین مظاهری برای خود پیدا کرده است. با آنکه کامی در تمام بخش‌های هستی پدیدار شد، آنچه در آسمان بود اهمیت بیشتر می‌یافت. هر یک از کامی‌ها که در سرتاسر ژاپن پراکنده شده بودند، به تناسب موقعیت‌شان عهده‌دار اموری بودند. برخی از آنها به انسان و برخی به امپراتور که او را فرزند خود می‌دانست مدد می‌رساندند. برخی برای کشاورزی خوب بود و بعضی حافظ ارواح.<sup>۱۷</sup>

اندیشمند بزرگ منوری نوریتاگا (۱۷۳۰ - ۱۸۰۱ م) معانی «کامی» را این‌گونه خلاصه می‌کند: «به طور کلی می‌توان گفت که «کامی» در وهلهٔ اول دلالت می‌کند بر خدایان زمین و آسمان که در اسناد باستانی از آنها سخن می‌رود و نیز ارواح کامی در معده‌هایی که در آنها پرستش می‌شوند. نیازی به گفتن ندارد که آدمیان را نیز در برمی‌گیرد. همچنین موجوداتی از قبیل پرندگان و ستوران و درختان و گیاهان و دریاها و کوه‌ها را. در کاربرد باستانی، هرچه غیرعادی بود، هرچه نیروی برتری داشت، هرچه با صلابت بود، کامی خوانده می‌شد. امتیاز در این جا تنها به برتری در اصالت، خوبی یا کردار پسندیده خلاصه نمی‌شود. چیزهای پلید و مرموز هم کافی است خارق‌العاده و هراس‌انگیز باشند تا کامی نام گیرند. بدیهی است در میان آدمیانی که کامی به شمار می‌روند، نسل‌های پیاپی امپراتوران مقدس نیز می‌گنجد.»<sup>۱۸</sup>

#### چگونگی تأسیس امپراتوری ژاپن

چنانکه بیشتر اشاره کردیم سرزمین ژاپن سرزمینی الهی و الوهی است. از این جهت حتی حکومت این کشور نیز جنبهٔ الوهی پیدا می‌کند. به این معنا

دیگران خوش باشد، و آرامش.<sup>۱۵</sup>

تفکر و مراقبه گویند.<sup>۱۸</sup>

### تری کایه

بوداییان، مه‌ایانه اصل اعتقادی سه بدن (کایه) یا سه تجلی ذات بودارا پدید آوردند. «نیرمن - کایه» تجلی ذات بودا در بدن تاریخی شاکيامونی بوداست. «سمیهوگه - کایه» بدنی به عنوان پادشاه است که بوداهایی مانند امیدا (امیتایهه) و یاکوشی (بهائیاچیبه - گورو) به دست آورده‌اند. اینان پس از قرن‌ها عبادت و عمل به عنوان بدهیساتوه، بدن بودا را به دست آورده‌اند. «درمه - کایه» بدن کیهانی بودا و ذات ابدی عالمگیر بودا که در طبیعت جلوه‌گر می‌گردد. بودا در مه‌کایه به طور نمادین در قالب بودای آفتاب، مه‌اوانیره و چانا، به نمایش درمی‌آید.<sup>۱۶</sup> به تعبیر دیگر، بوداییان مه‌ایانه فرضیه سه‌جسم را برای بودا قایل شدند که نیرمن کایه همان جسم ظاهری سیدارته‌گوتمه بودا بوده است که بر روی زمین زیست و وظایف خود را انجام داد و عمرش را به پایان برد؛ جسمی که به او جسم شادی و سرور گویند (سمبوگه‌کایه) که همانا جسم آسمانی و ماورای طبیعی بوداست که این جسمیت نه تنها به خود بودا بلکه به تمام عرفا و اوصالان به نیروانه عطا می‌شود. در واقع این جسم صورت ملکوتی بودی ستوه‌ها است که در عالم آسمانی زیست می‌کنند؛ و در مه‌کایه که جسم فرضی بوداییان برای آیین است.<sup>۱۷</sup>

نویسنده در ادامه مباحث فوق از فرقه‌های بودایی فعال در ژاپن یاد می‌کند: مه‌ایانه، هنیه‌یانه، تندایی، شینگون، کامه کوره، دیارپاک، دیارپاک‌راستین، ذن، سوئوتوزن، نیچرن یا نیلوفر و جی. نویسنده از میان این فرقه‌ها بیش از همه به فرقه ذن (= در چینی جان) پرداخته و اشاره کرده است که این فرقه در ژاپن شاخه‌های زیادی دارد و گسترش بیشتری یافته است.

نام اصلی ذن (Zen) از کلمه دیانه یک واژه سانسکریتی است. دیانه مقام تفکر و مراقبه است. دیانه در چین و ژاپن به معنای کشف و شهود به کاررفته است و بود در مه (بانی ذن) بودیسم را از این طریق به چینیان معرفی کرده است. ذن و چان ترجمه ژاپنی این کلمه است. دیانه شامل حالات تفکر و مشاهده و کشف و شهود است و از ریشه «dhyai» یعنی اندیشیدن، به تفکر ژرف‌تر فرورفتن، به مشاهده و مراقبه احوال درون پرداختن برگرفته شده است. این مرتبه، امتداد و گسترش زمانی مرتبه پیشین یعنی نیروی معنوی است. اگر حالت تمرکز نیروی معنوی همچون رودی پیوسته در زمان گسترش بیاید و استمرار آن از شناختی یک پارچه متشکل شود آن را حالت

### تعامل و تلفیق ادیان شینتو و بودایی

فصل پنجم به تعامل و تلفیق ادیان بودایی و شینتویی می‌پردازد. واقعیت آن است که مفسران مه‌ایانه‌ای بودایی با عنایت به مقتضیات زمان و مکان توانستند تفسیری از بودایی ارائه دهند که با آموزه‌های شینتویی هماهنگ شود. نویسنده به تفصیل به فراز و نشیب رابطه این دو دین در ژاپن پرداخته است. رابطه دین‌های شینتو و بودا با یکدیگر گاه دوستانه و گاه دشمنانه بوده است. با این حال از نیمه‌های دوره هئیان به بعد دو دین آمیزش فراوانی با یکدیگر پیدا کردند. پدیده‌ای که شینوتسو شوگو به معنای «همپوشی ادیان شینتو و بودا» نام گرفت.<sup>۱۸</sup> نویسنده در صفحات بعد این فصل به علل





هماهنگی این دو دین پرداخته است:

«سائیچو، مؤسس فرقهٔ تندائی، و کوکائی، بانی فرقهٔ شینگون، هر دو احترام فراوانی برای ارواح کامی بومی قائل بودند. سائیچو خدای باستانی، آئویاماگوئی، را به عنوان خدای حافظ کوه هی‌ائی برگزید و در کوهپایه‌های شرقی هی‌ائی ضریح «هیبه» (Hie) را که امروزه به «هیوشی تائیشا» مشهور است کرسی حکومت الاهی او قرار داد. (کوه هی‌ائی خود نامش را از آن ضریح گرفته بود). به همین سان کوکائی برای الاهی نیوتسو و پسرش کلریبا ویش از یکصد خدای کامی از اطراف کوه کویا به عنوان خدایان حافظ آن کوه ضریح ساخت. نقل است که میونوجین کاریبا، روح کوه کویا، دو سگ ملازمش «شیرو» و «کورو» (به ترتیب به معنی سفید و سیاه) را به نزد کوکائی فرستاد تا در پیدا کردن مکانی که مقدر بود صومعه‌اش را آن جا بسازد کمکش کنند. کوکائی برای تکریم این کامی‌ها ضریحی به نام «میاشیرو» در قلب مجتمع‌رهبانی کوه کویا بنا کرد.»<sup>۲۲</sup>

#### نگرهٔ ذات - مظهر

یکی از نظر به‌ها و راهکارهای هماهنگی این دو دین، راهکار «ذات - مظهر» است چنان که نویسنده آورده است: «رویگرد دیگر به همسازی ادیان شینتو و بودا نگرهٔ ذات - مظهر یا «هنجی - سوئیچاکو» بود که در سدهٔ دهم در ژاپن باب شد. در این نگرش، کامی‌ها مظاهر ذات بودا به شمار می‌رفتند. برای مثال، کامی کوه مقدس کومانو را «گنگن» نام نهادند به معنی «ظهورموقت ذات بودا در هیئت کامی». (همین گنگن کومانو بود که بر این در خواب ظاهر شد - نک ف ۴). رفته‌رفته تناظر یک به یکی بین کامی‌ها و بوداها یابد هیساتواها برقرار شد. آماراسو، الاهی آفتاب، مظهر مه‌واثیروچانا، بودای آفتاب، شناخته شد، هاجییمان مظهر «امیدا بودا» الاهی معبد اتیسو کوشیما (که معبد حافظ طایفهٔ تائیرا یا هتیکه بود) مظهر کائنات شمرده شد... اکنون هرکامی یک خاستگاه بودایی داشت. تحت تأثیر دین بودا، صورت‌هایی از کامی‌ها مشابه پیکره‌های بوداها و بدهیسا توها ساختند و در معابد شینتو گذاشتند و مورد تکریم قرار دادند.»<sup>۲۳</sup>

#### آغاز دوران جدید

نویسنده در فصل‌های ۶ و ۷ به دوران جدید دینداری در ژاپن پرداخته است. مطلب مهمی که در فصل پنجم به آن پرداخته شده گسترش کنفوسیوس باوری و آمیزش آن با آیین شینتو است. نکته مهم دیگر این فصل پرداختن به جایگاه زن است. اخلاق نوکنفوسیوسی، با تأکید بر نقش‌های متفاوت مرد و زن در جامعه، دختران و زنان را فروتر از مردان نشانده. اگر چه تعبیر «دانسون جوهی» (مرد را احترام کنید و زن را تحقیر) ممکن است مخلوق تاریخ جدیدتر باشد، صورت عملی آن بی‌گمان در دورهٔ او وجود داشت. البته شوربختی زنان بسته به طبقهٔ اجتماعی آنان

و وضع اقتصادی و موقعیت فردی آنها بسیار تفاوت می‌کرد، اما به طور کلی شأن اجتماعی و معنوی زنان نادیده گرفته می‌شد. زنان طبقهٔ سامورایی به حسب تکلیف باید پسر به دنیا می‌آوردند. زیرا تنها فرزند ذکور و آن هم معمولاً نخستین فرزند از حق جانشینی در دودمان پدری بر خوردار بود. پسر نداشتن، به معنی نابود شدن خانواده بود، و برای اربابان زمیندار به معنی مصادره شدن همهٔ املاک و رعایا به حکم شوگون. از این رو برای پیشگیری از این عاقبت تلخ، ارباب زنان صیغه‌ای هم داشت و همسرانش تقریباً فقط حکم دستگاه‌زایمان را پیدا می‌کردند. عالم نوکنفوسیوسی، کائیبارا اکیکن (۱۶۳۰ - ۱۷۱۴ م) پیام‌آور خودسازی را به زبان ساده برای همهٔ قشرهای مردم، خاصه زنان و کودکان، به ارمغان آورد. کتابچه‌ای به نام «آنادائیکاگو» به معنی (علم‌افضل برای زنان) که به او منسوب است، پس از سال ۱۷۱۰ م در سطح وسیعی پخش شد و خوانندگان فراوان یافت. کتابچه که در حقیقت گلچینی از نوشته‌های اکیکن به تألیف شخصی ناشناس بود، فضیلت‌های «فرمانبری» را به عنوان تکلیفی مادام‌العمر به دختران می‌آموخت. دختر تاوقتی دختر بود باید وظیفهٔ فرزندی را نسبت به پدر و مادر ادا می‌کرد، و وقتی به خانهٔ شوهر می‌رفت باید احترام پدر و مادر او را نگه می‌داشت. شوهر در حکم «ارباب» زن بود و - به نوشتهٔ کتابچه «زن باید با کمال احترام و عبودیت به شوهر خدمت کند». «پنج مرضی که به جان زنان می‌افتد» به این شرح نام برده می‌شوند: «نافرمانی»، «نارضایتی»، «افترا بندی»، «حسادت» و «حماقت» کافی بود زن مرتکب یکی از «هفت دلیل طلاق گردد تا به خانه پدرش بازگردانده شود. نافرمانی کردن از پدر و مادر شوهر، بچه‌دار نشدن، هرزگی کردن، حسد ورزیدن، و مبتلا شدن به مرض‌های بدن مثل جذام از جملهٔ این دلایل بودند. تحمیل سرشکستگی طلاق حق انحصاری خانوادهٔ شوهر بود.»<sup>۲۴</sup>

در فصل ۷ به مباحثی از قبیل پیدایش جنبش‌های دینی - مردمی، بازپیدایی مسیحیان نهفته، جدایی ادیان بودایی و شینتو از یکدیگر و ارتقای مقام امپراتور تا حد کامی و گسترش دین شینتویی پرداخته شده است: در فصل پایانی کتاب، دین‌های ژاپنی در هزارهٔ نو مورد توجه قرار گرفته و به ظهور فرقه‌های مذهبی جدید و وضع این در ژاپن امروز توجه شده است. امروزه از هر سه ژاپنی، دو نفر دینی ندارند. این ممکن است به دو علت باشد: یکی آن که فعالیت‌های مذهبی به اموری فرهنگی تبدیل شده‌اند و چنان در زندگی مردم ژاپن آمیخته‌اند که اصلیت مذهبی آنها دیگر به چشم نمی‌آید. در سه روز اول سال ۲۰۰۱ بیش از ۸۸ میلیون ژاپنی (یعنی تقریباً ۷۰٪ جمعیت کشور) هزاره‌نو را در معبد‌های بودایی و شینتو آغاز کردند بدون این که حضور خود را در معبد عملی مذهبی تلقی کنند. دلیل دیگر برای بی‌نیازی ظاهری از وابستگی‌های مذهبی این است که معبد‌های بودایی از دیرباز نهادهای اجتماعی بوده‌اند.<sup>۲۵</sup>

که باید «دهرمه» یا «درمه» نوشته شود. زیرا حرف «ا» تلفظ می‌شود و اگر «آ» خوانده می‌شد به صورت a نوشته می‌شد (برای مثال تری کایه که به این صورت نوشته می‌شود Trikaya).

#### پانوشته‌ها:

۱. آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ادیان، (تهران، پایا، ۱۳۷۹)، ص ۴۳
۲. به استناد سوابق امور باستانی، پنج خدای تنها و سپس شش نسل خدایان مزدوج آمدند و ایزاناگی و ایزانامی نسل هفتم از خدایان مزدوج بودند. به روایت تواریخ ژاپن، سه زوج، به دنبال سه فرد آمدند و ایزاناگی و ایزانامی نسل هفتم خدایان بودند. ن
۳. دین‌های ژاپنی، صص ۲۴-۲۵
۴. دین‌های ژاپنی، ص ۱۷
۵. دین‌های ژاپنی، ص ۲
۶. میچیکو، یوسا، دین‌های ژاپنی، ترجمه حسن افشار، ص ۴
۷. بی‌ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، (تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، صص ۴۲۲ و ۴۲۴.
۸. دین‌های ژاپنی، ص ۱۱

9. Smart, Ninian, The World's Religions, (Cambridge University Press 1989), p.132.  
10. Ibid, p.133.

۱۱. دین‌های ژاپنی، ص ۲۱
۱۲. دین‌های ژاپنی، ص ۲۸
۱۳. همان، ص ۱۲
۱۴. شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۱، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش)، ص ۱۴۶
۱۵. دین‌های ژاپنی، ص ۳۹
۱۶. دین‌های ژاپنی، ص ۴۰
۱۷. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵
۱۸. همان، ج ۲، ص ۶۸۴
۱۹. دین‌های ژاپنی، ص ۷۹
۲۰. دین‌های ژاپنی، ص ۸۰
۲۱. دین‌های ژاپنی، ص ۸۱
۲۲. دین‌های ژاپنی، صص ۱۱۸، ۱۱۹
۲۳. دین‌های ژاپنی، ص ۱۵۱
۲۴. همان، ص ۱۵۲
۲۵. همان‌جا

به هر حال با وجود این مسائل نمی‌توان مدعی دوری مردم ژاپن از دین و آموزه‌های دینی شد چرا که هنوز بسیاری از کارهای فردی و اجتماعی آنان نشان دینی دارند. ضمن این که ارتباط معنوی آنان با خدایان و امور مقدس‌شان همچنان حفظ شده است. بیش از ۹۰٪ آیین‌های تدفین در ژاپن طبق رسوم بودایی برگزار می‌شوند.<sup>۲۳</sup> این امر نشانه حضور فعال ادیان در اعمال ظاهری مردم این کشور است.

نویسنده در بخش پایانی این فصل نگاهی به آینده انداخته و به احیا و استمرار امور دینی امیدوار است. وی تغییرات به وجود آمده را هرگز به معنای غروب دین تلقی نکرده و معتقد است که: «با گذشت قرن‌ها، اعمال دینی اندک اندک تغییر کرده و خواهند کرد؛ ولی احساسات دینی که در این اعمال تجلی می‌یابند تا دنیا دنیاست بر جای خواهند ماند.»<sup>۲۵</sup>

#### محاسن و کاستی‌ها

از محاسن این کتاب می‌توان به سادگی و خلاصه‌گویی آن اشاره کرد که در سراسر کتاب رعایت شده است. به علاوه، در پایان کتاب واژه‌نامه اصطلاحات دین‌های ژاپنی آمده است که برای اهل مطالعه و پژوهش به‌ویژه دانشجویان ادیان بسیار حائز اهمیت و مفید است زیرا در زبان فارسی تاکنون کاری در این حد و اندازه انجام نگرفته است.

اما، کاستی اصلی این کتاب عدم پای‌بندی به وعده‌ای است که مؤلف در مقدمه خود آورده است. مبنی بر این که «این اثر ناظر به وضع فعلی ادیان است» هر چند که مؤلف روش بررسی خود را مبتنی بر سیر تاریخی می‌داند. اما هدف اصلی کتاب تنها در بخش اندکی از کتاب (آن هم بخشی از یک فصل و حداکثر یک فصل تمام) خلاصه شده و از وضع دین در ژاپن قرن حاضر خبری نیست. و بخش عمده کتاب به مباحث تاریخی اختصاص یافته است. حتی در پردازش به دین در بستر تاریخ به عقاید و آموزه‌های اصلی ادیان پرداخته نشده است و خواننده نمی‌تواند از یک دین به لحاظ ساختاری شمایی در ذهن داشته باشد.

مضاف بر این، در بررسی یک دین روند منطقی رعایت نشده است. یعنی بررسی از امور متعالی دین (امر قدسی) شروع نشده و به آیین و مناسک ختم نشده است. به علاوه، به لحاظ کمی نیز تمام بخش‌های یک دین و فرقه مورد توجه قرار نگرفته است.

البته در ترجمه کتاب نیز بعضاً اشکالاتی به نظر می‌رسد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱) معادل‌های انگلیسی اصطلاحات و یا اعلام در پاورقی نیامده و خواننده متوجه نمی‌شود که تلفظ اصلی آن چه بوده است.
- ۲) به نظر می‌رسد که مترجم به علائم و نشانه‌های آوانگاری توجه نداشته است. برای مثال، واژه dharma به صورت «دهارما» آمده است